

نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان)

دکتر حسین کلانتری خلیل‌آباد*^۱، سیداحمد صالحی^۲، قهرمان رستمی^۳

^۱ دانشیار پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

^۲ عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی

^۳ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

(تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۵/۲۳)

چکیده

وقف، سنتی اسلامی است که بر اساس آن افراد حقیقی یا حقوقی بخشی یا همه ملک خود را به سازمانی دولتی یا خصوصی می‌بخشند. این سنت حسنه در ایدئولوژی اسلامی ریشه دوانده و نقش بارزی در توسعه شهرهای اسلامی، به ویژه شهرهای مذهبی داشته است. در ایران نیز سابقه و نقش تاریخی وقف در توسعه فضاهای کالبدی شهرها مبرهن است. در این مقاله، نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری و توسعه فضاهای کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی به ویژه اصفهان مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد. روش تحقیق برگزیده در این مقاله، تلفیقی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی بوده و هدف از تحریر آن نیز ارزیابی میزان تأثیرگذاری وقف در توسعه فضاهای کالبدی شهرهای ایران با تأکید بر شهر اصفهان می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اراضی وقفی در شهرهای اسلامی ایران، به ویژه شهر اصفهان، موجب گرایش آن به توسعه افقی بوده و این گرایش از محل زمین‌های وقفی به سمت پیرامون شهر کمتر شده است.

اراضی وقفی در توسعه فیزیکی شهر تأثیرگذار بوده و خود نیز در جریان توسعه فیزیکی شهر، از حالت اولیه خود خارج شده و به بافت شهری تبدیل گشته‌اند. بنابراین می‌توان تأثیرگذاری اراضی وقفی و توسعه فیزیکی شهر را امری دو طرفه دانست.

واژگان کلیدی: وقف، اصفهان، شهر اسلامی، شهر ایرانی

وقف یکی از ارزش‌های والای انسانی است که تحت تأثیر جهان‌بینی دینی و مذهبی اسلام، علاوه بر داشتن نقش موثر اجتماعی و اقتصادی، کارکردهای متعددی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری دارد. از نظر کالبدی نیز می‌توان نقش بسیار مؤثری را در شکل‌دهی به ساخت فضایی شهرهای دوره‌ی اسلامی و همچنین شهرهای ایران به وقف منتسب کرد.

با بررسی سیما و بافت کالبدی شهرهای ایران، می‌توان بسیاری از عناصر و اجزای شهر را مشاهده کرد که وقف در عملکرد آنها برای حیات زندگی شهری نقشی بسزا داشته است. از نظر کالبدی نقش وقف را می‌توان در ایجاد و احداث خردترین عناصر کالبدی شهر نظیر مساجد، مدارس، حمام‌ها، آب‌انبارها، سقاخانه‌ها، روشنایی معابر و بازارچه‌ها تا شکل‌گیری و تولید کلان‌ترین فضاهای شهری نظیر بازارها و مجموعه‌های تجاری موثر دانست.

وقف که یکی از مصادیق بارز گذشت و بخشش مال است، قدمتی به اندازه تاریخ تمدن دارد و همیشه در همه ادیان (و نه فقط اسلام)، عاملی در توسعه شهر و روستا بوده است. این سنت حسنه با بهره‌گیری از تعالیم الهی در تمامی صحنه‌های اجتماعی بشر نمود داشته است. مطالعه و بررسی عوامل تأثیرگذار در توسعه شهرهای اسلامی و به تبع آن ایرانی-اسلامی از مهم‌ترین مباحثی است که همواره توجه جمع‌کثیری از پژوهش‌گران رشته‌های مرتبط را به خود معطوف داشته است. وقف در طول تاریخ، ابزاری برای عمران و آبادانی شهرها، تأمین‌کننده اعتبار مورد نیاز توسعه آنها در محدوده‌های درونی و بیرونی شهرهای سرزمین‌های اسلامی، به ویژه شهرهای ایران بوده است.

این پدیده، علاوه بر آثار مذهبی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی، آثار جغرافیایی مهمی را در پی دارد. در برخی مناطق با گسترش پدیده وقف، چهره جغرافیایی آن مناطق نیز دگرگون شده است. شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و قم از جمله بارزترین شهرهای اثرپذیر از پدیده وقف هستند که به مدد همین پدیده در برخی بخش‌های خود شاهد توسعه کالبدی به شکل عمده شده‌اند.

شایان ذکر است که این عامل هنوز هم به رغم نفوذ فرهنگ و تکنولوژی غربی در حوزه‌های شهرسازی و معماری و تأثیرگذاری آنها در سرزمین‌های اسلامی، از اثرگذاری خود بر توسعه‌های شهری نکاسته است. در تحقیق حاضر که به بررسی و مطالعه نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری و توسعه فضاهای کالبدی شهرهای ایران با تأکید بر شهر تاریخی اصفهان می‌پردازد، اثرگذاری این پدیده در توسعه فضاهای کالبدی شهرهای مزبور، به ویژه شهر اصفهان، به وضوح مشاهده می‌شود.

تاریخچه وقف

میل به جاودانه زیستن، همواره انسان‌ها را برآن داشته تا در کنار کار و تلاش مستمر، به ایجاد بناهایی بپردازند که در زمان حیات آنها و همچنین پس از مرگ، منشاء خیر و برکات باشند. روح نوع‌دوستی و اندیشه اجتماعی و همکاری متقابل و فکر زندگی گروهی، ریشه چنین تفکر و عملی را می‌سازد. یکی از مصادیق بارز و نمونه‌های زنده و روشن این نوع‌دوستی و همکاری اجتماعی را وقف دانسته اند که در بین ادیان دیگر نیز به نوعی دیده می‌شود.

از شواهد و قرائن تاریخی چنین پیداست که وقف از پیشینه‌ای عظیم تاریخی برخوردار است و هزاران سال قبل از اسلام نیز قدمت و سابقه دارد. در کشورهای غربی و حتی نقاط دور افتاده استرالیا و آفریقا و در میان سرخپوستان آمریکای جنوبی سنت وقف وجود داشته است. آنها موقوفاتی را برای پرستش‌گاه‌ها و کلیساها اختصاص می‌داده‌اند. در عصر باستان، یونان، چین، ژاپن، روم، و فلسطین، موقوفاتی بوده است که از درآمد آنها برای تأمین معابد، صومعه‌ها، پرستش‌گاه‌ها و بازسازی آنها و نیز گذران زندگی اسقف‌ها، برهمن‌ها و کاهن‌ها و همچنین ارائه خدمات لازم به برخی از دانش‌آموزان مدارس بهره می‌گرفتند. در کشورهای غربی اداراتی برای نظارت بر حسن اجرای موقوفات وجود دارد که مدیران آنها مانند شهرداری‌ها از سوی خود مردم انتخاب می‌شوند. اینان در واقع هیات امنایی هستند که کاربری‌های وقفی را سرپرستی می‌کنند (www.jomhourieslam.com).

موقوفات خصوصی و بنیادهای وقفی کشورهای اروپایی و بخصوص آمریکای شمالی، از ابزارهای رشد، توسعه و تحول فرهنگی جوامع این کشورهاست. یکی از کشورهای بانی وقف، کشور آلمان فدرال است. در آلمان، وقف ابزاری است که به کمک آن گرایش‌های کاملاً معین و تثبیت یافته فرهنگی در مقابل تحولات روز حمایت می‌شوند. به عنوان مثال بنیادهای وقفی و یا تک موقوفه‌هایی وجود دارند که پس از حل مسایل آموزشی، به حل مسایل زیست محیطی پرداخته‌اند. از این رو افزایش تعداد بنیادها، تأسیس دانشگاه‌ها، ایجاد مدارس فنی مهندسی، راه اندازی آزمایشگاه‌های تحقیقاتی و برپایی محافل و کانون‌های علمی برای بحث و چاره‌جویی در زمینه مسایل اجتماعی، اقتصادی، آموزشی در چارچوب‌های محلی، منطقه‌ای، کشوری و بین‌المللی با کمک کارشناسان زنده و امکانات مالی چشمگیر است.

نقش موقوفات و بنیادهای وقفی کنونی جهان سرمایه‌داری، تشخیص و شناخت مسائل، چاره‌جویی و سرمایه‌گذاری برای حل آنها و نیز گسترش کمی و کیفی، ترویج دانش، پژوهش و اشاعه آنهاست. این کار به طور مستقیم و غیر مستقیم به سود جامعه و گسترش رفاه و سرمایه به قشرهای مختلف جامعه می‌باشد (مومنی، ۱۳۷۳: ۱۰۴ - ۹۴).

آرایی‌های ساکن ایران نیز از دوره باستان به تبعیت از آئین خود، به انجام کارهای نیک، به ویژه رسیدگی به وضع بینویان جامعه توجه کرده و برای نگهداشتن آتشکده‌های خود، نذورات و موقوفاتی داشته‌اند (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۵۲).

در دوران حکومت‌های ایران در قبل از ظهور اسلام هم به مسأله وقف و نذر توجه می‌شد و به معابد و آتشکده‌ها از جمله آذرگشسب به عنوان نذرو نیاز، اموال و اشیایی هدیه می‌شده است (میراحمدی، ۱۳۷۱، ۴۸-۲۹). وقف در میان آرایی‌ها به سه صورت که هنوز هم در میان زرتشتیان رایج است، انجام می‌شد: نخست «آشوداد» به معنای بخشش ملک؛ دوم «نیاز» به مفهوم خریداری و بخشش وسایل و لوازم (به معابد و آتشکده‌ها) و سوم «گهنبار» به تعبیر جشن‌هایی که در آن خوردنی و پوشیدنی میان نیازمندان تقسیم می‌شد (شهبازی، ۱۳۸۳: ۲-۲۱).

پیرو همین بحث، در تمامی حکومت‌های ایران، به ویژه از اواخر دوره ساسانی که اسلام وارد ایران شد، وقف اهمیت بیشتری یافت. به عنوان مثال، «وقف در دوره صفویه رونق فراوانی یافت و بسیاری از املاک وقف بقاع متبرکه شیعه گردید (شجاع فتح‌آبادی، ۱۳۸۲: ۲۸). در ادوار بعدی تاریخ ایران (مانند دوره تیمور) نیز به مسأله وقف توجه می‌شد. به عنوان مثال می‌توان از موقوفات تیموری در خراسان بزرگ نام برد. غازان‌خان در شهرها و نقاط گوناگون تحت سلطه خود در ایران، اماکن مذهبی و عمومی فراوانی ساخت و برای همه آن‌ها و حتی برای بیت‌المقدس و مشهد، مکان‌هایی را وقف کرد. غازان‌خان محله‌ای در نزدیکی تبریز، موسوم به «شنب‌غازان» احداث کرد و موقوفاتی را برای آن در نظر گرفت (دونالدن، ۱۳۴۶: ۵۴).

حقوقدانان مسلمان معتقدند که اولین وقف، ساخت خانه کعبه در مکه بوده است. با این حال، وقف سابقه‌ای طولانی داشته و منحصر به اسلام نمی‌باشد. به عبارتی، در تمام ادیان الهی مسأله وقف و صدقه جاریه، جایگاه خاصی داشته و تاریخ‌نویسان از اوقاف ابراهیم خلیل (ع) به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین اوقاف قبل از اسلام یاد کرده‌اند. این سنت پسندیده در آئین مسیح نیز وجود داشته، به طوری که زمان اعلام تعالیم مسیح به عنوان دین رسمی، وقف نیز در این آئین موجودیت یافت. در انجیل مقدس و رساله حواریون مسیحی همچون رساله پولس حواری نیز مطالبی راجع به وقف وجود دارد (کاشی‌پور محمدی، ۱۳۸۲: ۲).

تعاریف و مفاهیم وقف

وقف از با سابقه‌ترین میراث‌های ارزشمند اسلامی است که از صدر اسلام تاکنون در همه جوامع اسلامی سخت مورد توجه بوده و به رغم همه نوسان‌ها و دگرگونی‌ها، آثار بسیار

ارزشمند و مؤثری در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... برجای گذاشته است. واژه وقف در اسلام، به معنای نگهداری و حفظ دارایی، اموال و استفاده انحصاری از آن به منظور نوع‌دوستی و خیرخواهی است (ریمون، ۱۳۷۰: ۳۲-۳). وقف به معنای نگهداشتن دائمی اصل مال و بهره‌برداری از منافع آن در جهت امور خیریه است. از پیامبر اکرم (ص) به عنوان اولین واقف در اسلام یاد شده است (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۴۸-۲۹). وقف در تاریخ اسلام ۱۴ قرن سابقه دارد که البته در صدر اسلام صدقه جاریه نام داشته و برگرفته از حدیثی است که از پیغمبر اسلام نقل شده است: «بهترین یادگار و میراثی که انسان از خود به جای می‌گذارد سه چیز است: وقف، دانش و فرزند نیکو» (سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۶۴: ۴-۵). فقهای اسلامی معتقدند که: «همه زمین‌ها به الله تعلق دارد و از طریق ذات باریتعالی است که به جامعه اسلامی و به ضرورت امانت سپرده می‌شود» (افشار، ۱۳۸۳: ۲۳).

شهر اسلامی

دین اسلام پس از گسترش در سرزمین‌های مختلف، به تدریج ماهیت کالبدی و اجتماعی شهرهای واقع در این محدوده را با تغییراتی برگرفته از ارزش‌های خود مواجه ساخت. محققان اروپایی در بررسی این شهرها از آنها به شهرهای اسلامی تعبیر می‌کنند. شهرهای اسلامی در چارچوب فرهنگ نشأت گرفته از دین اسلام ایجاد شده یا رشد یافته‌اند. پراکندگی شهرهای اسلامی، گستره جغرافیایی وسیعی از شمال آفریقا تا چین و از جنوب روسیه تا یمن را در بر می‌گیرد. تمام نواحی فوق در خصوصیات کالبدی و اجتماعی متأثر از فرهنگ اسلامی یا فرمانروایان و سلاطین مسلمان با یکدیگر دارای نقاط مشترکی هستند.

شهر اسلامی را می‌توان شهری دانست که در آن مظاهر تمدن اسلامی نمود داشته و هر یک از اجزای چنین شهری، یادآور حضور خداوند است (باقری، ۱۳۸۶: ۸۶-۷). این شهر گسترش یافته مسجد و خانه پیامبر است (دارابی، ۱۳۷۶: ۱۶). به عبارت دیگر، «شهر اسلامی مبلغ و تجلی‌گاه توحید، تذکر جامع به عبودیت آنان در برابر خالق یکتا، شهری با وحدت جامعه و نه تفرق مردم است» (تقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۴۷-۶۰).

واژه شهر اسلامی به طور عام به شهرهای واقع در قلمرو حاکمیت قوانین، مقررات، ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی در پهنه‌های وسیعی از جهان با مرکزیت خاورمیانه و شمال آفریقا اطلاق می‌شود. این پهنه از اقیانوس اطلس تا دریای چین، از خلیج گینه تا آسیای مرکزی، از بالکان تا اندونزی و از شاخ آفریقا تا خلیج بنگال گسترده است. اصطلاح شهر اسلامی نخست در بررسی‌های اروپائیان درباره شهرهای

شمال آفریقا مورد استفاده قرار گرفت. این تحقیقات سبب شکل‌گیری قالبی کلی، از شهر اسلامی گردید که آن را به کل شهرهای قلمرو حاکمیت اسلام تعمیم می‌دادند. مطالعات بیشتر درباره شهرهای اسلامی در خارج از آفریقا و شرق، موجب ابهام در مفهوم و مشخصات کلی شهر اسلامی شد. شهرهای اسلامی یا به جا مانده از تمدن‌های قبل از اسلام (دمشق و شهرهای ایرانی) و یا شهرهایی نوساخته جهت اهداف نظامی یا سیاسی (بغداد و کوفه) بودند.

عناصر اصلی شهر اسلامی مسجد و بازار هستند. «مسجد در شهر مهم‌ترین بنای عمومی تلقی شده و در تفکرات مربوط به شهرسازی اسلامی موقعیت اساسی داشته است. این مساجد ابتدا در کنار شهرها بنا می‌شد تا این که در طی زمان قلب شهرها پذیرای آنها گردید» (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۷۳، ۲۸۱). امروزه نیز در شهرهای اسلامی به فراخور گستردگی و جمعیت آنان تعداد قابل توجهی مساجد بزرگ و کوچک وجود دارد که نقش عمده‌ای در منظر غالب شهرها ایفا می‌کنند (پاک‌نژاد، ۱۳۵۵، ۱۱۷). اساساً فضای بازار تنها به داد و ستد و بازرگانی اختصاص نداشت، بلکه به مثابه مهم‌ترین شاهراه حیاتی شهر برخی عناصر مهم شهری را در خود جای می‌داد. بازار از نظر کارکردهای اقتصادی و اجتماعی، قدرت و دامنه نفوذ وسیعی داشت.

با این حال، برخی محققان، شهر اسلامی را فاقد هویتی مستقل می‌دانند. بر این مبنا، «شهرهای کشورهای اسلامی را باید شهرهای دوران بعد از اسلام و یا شهرهای سرزمین‌های اسلامی نامید» (مؤمنی، ۱۳۶۵: ۲۶-۷۳).

اثرات تاریخی وقف در شهرهای اسلامی

بسیاری از شهرهای قدیمی اغلب محله‌های کوچکی بوده‌اند که به تدریج شکل گرفته و با افزایش جمعیت و توسعه بناها و اماکن، به شهر تبدیل شده‌اند. در واقع تحت تأثیر فرهنگ وقف، بسیاری از تأسیسات زیربنایی و روبنایی در مجتمع‌های زیستی بدون اینکه حکومت‌ها اصولاً وظیفه‌ای در ایجاد آنها احساس کنند، توسط مردم ساخته می‌شدند.

نظام وقف نه تنها موجد ساخت و ایجاد بسیاری از فضاها و عناصر با ارزش شهرها بوده است، بلکه ارتباط و پیوند معنوی و نزدیک موقوفات با امور دینی و مذهبی، سبب ماندگاری و پایداری فضاها و شهرهای موقوفه در طی زمان شده است. اصول و ویژگی‌های نظام وقف به گونه‌ای است که بسیاری از این فضاها و عناصر از طریق رقابت درآمدزایی که بر آنها وقف شده‌اند، خود را محافظت و مرمت کرده و در نهایت آبادان و معمور بر جای استوار باقی مانده‌اند. همچنین ماهیت ابدی، دایمی و غیر قابل فروش و انتقال بودن موقوفات و صرف منافع رقابت آنها در راه مقاصد خیر و برای کارکردها و مصالح

جامعه مسلمین، موجب شده است که تعداد زیادی از آنها در برابر حوادث و ناملایمات تاریخ مقاومت کرده و خود را به زمان حال برسانند. در طول تاریخ تعداد زیادی از موقوفات یا رقبات، به خصوص املاک غیرمنقول چون مساجد، حوزه‌های علمیه، حمام‌های عمومی و بازارها کم و بیش دارای ساختار پایدار و دیرپایی هستند، از سایر عناصر شهری پایدارتر باقی مانده‌اند (قدیری، بهرام، ۱۳۶۹: ۳).

وقف یکی از عمده‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی جهان اسلام است (الکبسی، ۱۳۶۴: ۶۶-۶۴). وقف را باید از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزو مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه بدانیم. طبق موازین دینی، وقف می‌تواند نوعی تعدیل و تقسیم ثروت را در پی داشته باشد (باستانی پاریزی، ۱۳۵۷: ۷۳). اثرات وقف را می‌توان در سه فرآیند تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری جامعه ذکر کرد که زیربنای عدالت اجتماعی و اقتصادی جامعه را تشکیل می‌دهند (کاشی پورمحمدی، ۱۳۸۱: ۳).

در ریخت‌شناسی شهرهای اسلامی عواملی مانند عوامل اقلیمی، اقتصادی، ارتباطی، دولتی، بهداشتی و عامل وقف موثر بوده اند (شکویی، ۱۳۷۳: ۱۸۷).

بر این اساس یکی از پدیده‌های جالب و مهم در شهرهای اسلامی، تداوم املاک از طریق قوانین اسلامی وقف است. در طول تاریخ اسلام، در سراسر سرزمین‌های اسلامی، از پیرنه تا ماورای شبه قاره هند، بسیاری از مناظر و مظاهر جغرافیایی دست پروده‌ی انسان، در پیوند با اندیشه وقف پدیدار شده است. در واقع، نهاد و اندیشه وقف به تأمین اعتبار و سرمایه لازم برای احداث مظاهر جغرافیایی، چه خرد و محدود (پل یا آب‌انبار)، چه کلان و گسترده (شهرکی نظیر ربع رشیدی یا شنب‌غازان‌خان و رصدخانه مراغه) و همچنین طراحی کلی و برنامه‌ریزی اشراف داشته است (دانش‌پژوه و ایرج افشار، ۱۳۷۶: ۴۱). بر این اساس، وقف علاوه بر آثار مذهبی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی، آثار جغرافیایی مهمی در شهرها بر جای می‌گذارد، بطوری که گسترش آن در برخی شهرها، چهره آنها را تغییر داده است.

اکارت اهلرز چهار کارکرد اصلی وقف در حوزه اقتصادی-اجتماعی را در شهرهای اسلامی به این شرح بیان می‌کند:

- تهیه و تدارک قسمت اعظم وظایف و مراسم دینی در شهرها، از جمله سازمان‌دهی، تقبل و تأمین تمام یا قسمتی از هزینه‌های جاری، تعمیرات و مرمت مساجد، حوزه‌های علمیه، حسینیه‌ها و مانند آن؛

- کمک‌های گوناگون به فقرا، بینوایان، دانش‌آموزان و مدارس شهری و اداره و نگهداری برخی از بیمارستان‌ها، حمام‌ها، آب‌انبارها و انجام سایر امور خیریه و عام‌المنفعه از محل عایدات موقوفات؛

- تأمین مسکن ارزان‌قیمت برای مردم بی بضاعت و واگذاری

زمین‌های وقفی، مغازه‌ها و کارگاه‌ها با اجاره طولانی مدت به مردم؛ جمع کثیری از شاغلان به طور مستقیم در املاک، اماکن متبرکه، تأسیسات، مستغلات بازرگانی، صنعتی و سازمان‌های اوقاف شهرها و کشورهای اسلامی (اهلرز، ۱۳۷۴: ۵۳). در شهرهای اسلامی، وقف در چشم‌انداز جغرافیای شهری تأثیراتی عمیق بر جای نهاده است. به عنوان مثال می‌توان از شهرهایی مانند مکه و مدینه در عربستان، شهرهای نجف و کربلا در عراق و شهرهای مشهد و قم در ایران نام برد که سنت وقف در آن‌ها تأثیر شگرفی نهاده و باعث تغییر شکل شهر شده است.

جایگاه تاریخی وقف در شکل‌گیری و توسعه فضاهای کالبدی شهرهای اسلامی

نقش بارز وقف در عمران شهرهای اسلامی نیز قابل توجه است؛ چرا که نظام وقف از یک طرف موجب تأسیس بناهای دینی موقوفه با مفهوم سیاسی و کاربردهای مذهبی می‌شده است و از طرف دیگر، موجب می‌شده تا برای نگه‌داری، توسعه و تأسیس موقوفاتی از قبیل و کاله‌ها، قیصریه‌ها، سراها، حمام‌ها، خانه‌ها، دکان‌ها و دیگر بناهایی برای عایدی بیش‌تر، مدام در حال بازسازی و نوسازی و توسعه باشند و از این طریق، بودجه تأسیسات دینی را تأمین کنند (باقری، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۵). «وقف به منزله یکی از وجوه فقهی، سرچشمه، زمینه‌ساز و علت وجودی بسیاری از مظاهر جغرافیایی مانند مساجد، تکایا، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها، خانقاه‌ها، زایویه‌ها، رباط‌ها، کاروان‌سراها، حمام‌ها، آب‌انبارها، قنات‌ها، پل‌ها و سایر مؤسسات خیریه اجتماعی در سراسر کشورهای اسلامی شده است» (دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۴۱: ۴۱). سنت وقف از ارزش‌های جهان‌بینی دینی و مذهبی است که نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری و توسعه شهرهای دوره اسلامی، به ویژه شهرهای ایران داشته است. نقش وقف را می‌توان براحتهی در بسیاری از عناصر و اجزای شهری که نقش عمده‌ای در عمل کرد و حیات شهری دارند، مشاهده کرد. بسیاری از تأسیسات زیربنایی و روبنایی در مجتمع‌های زیستی بدون هیچ اقدامی از سوی حکام وقت، توسط مردم ساخته می‌شوند (فتح‌آبادی، ۱۳۷۸: - ۷۰ ۶۸).

پراکندگی جغرافیایی بناها و فضاهای وقفی از یک نظام عقلایی و اقتصادی کاملاً تکامل یافته تبعیت می‌کند، به طوری که یک موقوفه با چند رقبه مانند مسجد، مدرسه، کاروان‌سرا، بازار، حمام و غیره در جوار هم قرار دارند. مکان‌یابی این عناصر چنان نظم کالبدی و فضایی ارزنده‌ای را به فضاهای جغرافیایی می‌بخشد که توجه معماران و شهرسازان را به خود جلب نموده است (شفقی، ۱۳۷۶: - ۶۷ ۳۳).

بر این اساس وقف، نقش و جایگاه بارزی در شکل‌گیری و توسعه فضاهای کالبدی کشورهای اسلامی داشته است، ولی از آنجایی که عناصر وقفی در مراکز غیرشهری مانند قنات‌ها، کاروان‌سراها و مانند آن‌ها، پاسخ‌گوی خواسته‌ها و نیازهای جامعه امروزی نیست و از طرفی فضاهای وقفی شهری مانند مساجد، عناصر بازار، دانشگاه‌ها، مسافرخانه‌ها و انواع مراکز آموزشی، فرهنگی و بهداشتی، نیاز مبرم جامعه شهرنشین هستند، لذا شهرها جولان‌گاه شکل‌گیری و توسعه فضاهای کالبدی وقفی در سراسر قلمرو اسلامی هستند.

در شهرهای اسلامی ایران، برخی شهرها مانند اصفهان، مشهد، تبریز و تهران، بیش از سایر شهرها از وقف تأثیر پذیرفته‌اند و فضاهای کالبدی این شهرها همواره در طول تاریخ توسط زمامداران و مردم به پیروی از سنت وقف دست‌خوش تغییر و دگرگونی در بافت خود شده‌اند. به عنوان مثال، از دوران شکوفایی اصفهان به عنوان دوران طلایی وقف در ایران نام برده شده است.

بررسی آماری وقف در شهرهای ایرانی - اسلامی

تعداد موقوفات در تمام کشورهای اسلامی بسیار بالاتر از سایر کشورهای جهان است. این تعداد بسته به نقش پیش‌رو اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی شهرها و نیز نیاز بیش‌تر شهرها به فضاهای وقفی کالبدی در شهرها نیز بیش از روستاها است. در شهرهای ایرانی - اسلامی، عناصر و فضاهای وقفی از نظر آماری نسبت به سایر شهرهای کشورهای اسلامی رقمی بالاتر را نشان می‌دهد. شهرهای مشهد، اصفهان و قم از آن جمله است. بر این اساس، آمارهایی در ارتباط با تعداد موقوفات کشور در زیر ارائه می‌شود.

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته، هم‌اکنون حدود ۱۱۴ هزار موقوفه در کشور وجود دارد که ۱۰۰ هزار مورد آن‌ها متصرفی و ۱۴ هزار هم غیرمتصرفی است. با توجه به این که هر موقوفه، رقبه هم دارد، هم‌اکنون بیش از یک میلیون رقبه در سراسر کشور داریم (روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۸). ده استان برتر کشور از نظر تعداد موقوفات و رقبات موقوفه در جدول شماره (۱) دیده شود.

جدول شماره ۱: استان‌های برتر کشور از نظر تعداد موقوفات و رقبات موقوفه

ردیف	نام استان	تعداد موقوفات	تعداد رقبات موقوفه
۱	خراسان (شمال، جنوبی و رضوی)	۱۶۹۳۷	۷۸۱۱۲
۲	مازندران	۱۴۵۰۷	۹۸۱۹۶
۳	تهران	۱۲۴۹۶	۷۸۲۸۲
۴	اصفهان	۶۶۲۴	۲۰۷۹
۵	فارس	۴۶۵۵	۸۰۳۴۰
۶	سمنان	۳۸۹۰	۱۰۰۹۸
۷	مرکزی	۳۵۹۵	۲۲۷۲۱
۸	آذربایجان شرقی	۳۵۰۶	۱۸۷۴۶
۹	کرمان	۲۶۴۹	۱۸۳۷۱
۱۰	کردستان	۲۶۲۶	۱۰۳۸۷

منبع: مطالعات نگارندگان از روی آمارهای مختلف سازمان اوقاف و امور خیریه کشور (آمارهای دهه ۱۳۸۰).

حسینیه و بسیاری از بناهای عمومی مانند کاروان‌سرا، دارالشفاء، دارالضیافه و بسیاری از تأسیسات همچون آب‌انبار، سقاخانه، آسیاب و یخچال با توجه به نهاد وقف ساخته می‌شدند (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۲: ۱۳۷). ساخت و سازهایی که با اتکا بر وقف انجام می‌شد، به شکل خودکار به توسعه کالبدی شهرها می‌انجامید. از جمله این ساخت و سازها، احداث نهادهای دینی مانند مسجد، مصلی، تکیه، حسینیه، امامزاده، بقاع متبرکه، سقاخانه و آستانه‌ها است.

نقش مهم اوقاف در زندگی شهری از گذشته‌های دور و مقاطع مختلف تاریخی قابل مشاهده است، بطوری که گسترش آن تأسیس دیوان ویژه‌ای بنام «دیوان احباس» و یا «دیوان اوقاف» را در پی داشت. در زمان صدر اسلام و حیات رسول خدا (ص) نیز وقف به عنوان یک نظام شناخته می‌شد؛ ولی تأثیر آن در پیشرفت و آبادانی شهرهای اسلامی در آغاز قرن ششم هجری آشکار شد و از آن پس نیز به عنوان یک عامل مؤثر در عمران و آبادانی شهرهای اسلامی به شمار آمد (عبدالستار عثمانی، ۱۳۷۶: ۶۳-۸۲). رشیدالدین در عمران و آبادانی ولایات، اعم از روستاها و شهرها، همت وافر مبذول داشته و عمر او در آبادانی و وقف سپری شده است. وی بناها و مجموعه‌های بسیاری در شهرهای کشور احداث کرد و برای هر کدام موقوفاتی به مقدار کافی معین کرد. احداث «ربع رشیدی» مهم‌ترین اقدامی بود که او در زمینه عمران شهرها انجام داد. بنابر مطالب و مندرجات مکاتبات رشیدی، ربع رشیدی که محله‌ای در تبریز بود، دارای سی هزار خانه، هزار و پانصد دکان، بیست و چهار کاروان‌سرا، تعدادی مسجد، مدرسه، حمام، باغ و چند کارخانه کاغذ سازی، رنگ رزخانه

بر این اساس بیش از ۱۱۴ هزار موقوفه در کشور وجود دارد و جدول شماره (۱) نشانگر تعداد بالای موقوفات در ایران است. اگرچه این موقوفات در استان‌های مختلف کشور پراکنده است، ولی ۱۰ استان خراسان (قبل از تقسیمات سیاسی-اداری)، مازندران، تهران، اصفهان، فارس، سمنان، مرکزی، آذربایجان شرقی، کرمان و کردستان از نظر تعداد موقوفات و رقبات مربوطه از سایر استان‌های کشور برتر هستند. استان اصفهان با مرکزیت شهر اصفهان، با داشتن ۶۶۲۴ مورد وقفی و ۲۰۷۹ مورد رقبه دارای رتبه چهارم در کشور است. بیش‌تر موقوفات و رقبات این استان در شهر اصفهان قرار دارند.

نقش و تأثیر تاریخی وقف در توسعه فضاهای کالبدی شهرهای ایران

بازتاب‌های کالبدی وقف، موقوفاتی هستند که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارند. ایجاد بناهایی چون مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، نوانخانه‌ها، آب‌انبارها و قنوات، حمام‌ها، پل‌ها، قبرستان‌ها، مسکن انسانی و تکایا از جمله بازتاب‌های کالبدی وقف هستند. در واقع بازتاب‌های کالبدی وقف ظروفي هستند که مظهر آنها عملکردهای وقفی هستند و این عملکردها نقش اساسی در حیات و زندگی مدنی جامعه ایفا می‌کنند. وقف یکی از احکام و اصول مهم در اسلام است که تأثیر بسیار سازنده‌ای در تشویق مردم به احداث بناهای مذهبی و عمومی داشته و سبب عمران شهری شده است. عموم بناهای مذهبی مانند مسجد، مدرسه، خانقاه، تکیه،

و دارالضرب و غیره بود. رشد و بالندگی شهرها در قلمرو عثمانی و صفوی از قرن شانزدهم تا قرن هجدهم میلادی، تقریباً بدون نهاد وقف غیر قابل تصور است. در دوره عثمانی، ساختن مجموعه‌های شهری منطبق با سنت وقف رایج شد. این مجموعه‌های عام‌المنفعه شهری به دور هسته مسجد یا مدرسه و حمام و سرا و میدان و خان، مراکز فعال شهری را در مفصل‌های مهم بازارها تشکیل می‌دادند. موقوفاتی که برای این مجموعه‌ها در نظر گرفته می‌شد، هم‌زمان با فعالیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی خود مجموعه‌ها، عاملی مهم در تضمین تحرک، پویایی و شکوفایی شهرها بودند. نمونه این مجموعه‌های شهری از دوران صفویه و قاجار در ایران هنوز پا برجا و قابل توجه هستند (اعتضادی، ۱۳۷۷: ۹-۲۰).

در عصر صفوی، توجه به امور موقوفات به طور چشم‌گیری افزایش یافت. در این دوره، شاهان صفوی، خود امور موقوفه را تقویت کرده و املاک و اموال زیادی را به اماکن مورد احترام مانند آستانه مبارکه ثامن‌الائمه، قم و نیز آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، وقف کردند. در این عصر، بزرگان و شاهان، خود مشوق امور خیریه و وقف بودند و مقدار زیادی از اموال خود را وقف نمودند. دو بنای موقوفه در اصفهان وجود دارد که در زمان شاه عباس در کنار بازار شهر وقف شد. این دو عمارت یکی دارالشفاء و دیگری کاروان‌سرای مسگران است (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۴۸-۲۹). به همین دلیل خاندان صفوی، به عنوان پرچمدار وقف، شناخته شده‌اند.

برخلاف اسلام‌شناسان و مورخین که همواره بر نقش دین و مجموعه غنی اسناد و مدارک به عنوان منبع پژوهش فرهنگ منبعث از شهر اسلام تأکید ورزیده و از آن استفاده می‌بردند، جغرافی‌دانان تاکنون از چنین مبانی و سرچشمه‌هایی به ندرت استفاده کرده و یا اصولاً هیچ‌گونه سودی نبرده‌اند. نهاد وقف یا موقوفات برای رشد و توسعه جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شرق اسلامی و شهرهای آن از سه جنبه دارای اهمیت است:

- ۱) اهمیت تکوینی و مکانی؛
- ۲) اهمیت اجتماعی - اقتصادی؛
- ۳) اهمیت سیاسی؛
- ۴) اهمیت اقتصادی (اهلرز، ۱۳۷۴: ۱۰).

در تاریخ شهرسازی ایرانی - اسلامی، به مجموعه‌های فضایی - کالبدی پیوسته و همبسته‌ای در مقیاس‌های مختلف شهری، از مقیاس یک محله تا یک شهر دیده می‌شود که سنت وقف در شکل‌گیری و توسعه آن‌ها نقش اساسی داشته است. از قدیمی‌ترین این مجموعه‌ها در تاریخ شهرسازی کشور می‌توان به مدارس نظامیه در دوره سلجوقیان، مجموعه‌های شنب غازان و ربع رشیدی تبریز در دوره ایلخانان مغول، مجموعه‌های میدان نقش جهان اصفهان، گنجعلی خان کرمان و شیخ صفی اردبیلی در دوره صفویه، مجموعه زندیه

شیراز در دوره زندیه و مجموعه مروی، سپهسالار و سرای امیر تهران در دوره قاجاریه اشاره نمود (شهابی، ۱۳۸۳: ۲۹۰). نقش وقف در فرآیند شهرآفرینی در سطح کلان فضای شهری دارای اهمیت بسیار بوده و در شکل‌گیری و تولید اجزا و عناصر شهری شامل عناصر کوچک (مانند سقاخانه‌ها) و بزرگ (مساجد و مراکز تجاری) دیده می‌شود. جدای از ویژگی‌های کالبدی معماری، عناصر وقفی که نقشی اساسی در عملکرد و فعالیت‌های شهری دارند، توزیع فضایی و پراکندگی انواع مختلف عناصر وقفی نیز نه تنها در تشدید و تسهیل عملکردهای وقفی مهم می‌باشند، بلکه در ساختار فضایی شهر نیز نقش مهمی را ایفا می‌کنند (شجاع فتح آبادی، ۱۳۸۲).

شهر اسلامی بیش از همه از دستورها و قوانین اسلامی استخراج شده از کتاب، سنت، فقه، اجتهاد و اجماع تأثیر پذیرفته است. از بین عوامل یاد شده، دو عامل مذهب و وقف دقیقاً متأثر از جهان‌بینی دینی بوده و در ساخت شهر اسلامی تأثیری اساسی بر جای گذاشته‌اند، هر چند در سایر عوامل نیز جهان‌بینی بروز و ظهور خود را نشان می‌دهد.

بسیاری از ویژگی‌های شهرهای اسلامی چون ساخت، بافت و سیمای شهر و... بازتابی از بینش اسلامی به شمار می‌آید. مهم‌ترین تکیه‌گاه بینش‌های اسلامی، اعتقاد به اصل توحید و پرستش الله به عنوان خدای یگانه است که بایستی به نحوی روشن و مشخص در شهر اسلامی تجلی یابد. در پرتو بینش اسلامی، روحیه تعاون، تعاضد، انفاق و ایثار، بیش‌تر در قالب نهاد وقف در چهره شهرهای اسلامی نمودی بارز داشته است. بسیاری از بناها و سازمان‌های خدماتی و فرهنگی شهرها، چون بیمارستان، دارالشفاء، کتابخانه، دارالایتام، دارالمجانین، خانقاه، حسینیه و کوی‌های دانشگاهی برای طلاب و اساتید در شهرهای اسلامی زیر پوشش نهاد وقف تشکل پیدا کرده است. بدین ترتیب، عناصر مذهبی شهر اسلامی، در برقراری ارتباط با شهر، بسیج کردن و به حرکت در آوردن آنان در راستای اهداف اسلامی، از توان بسیاری برخوردار می‌باشند. شهرها همواره تحت تأثیر نیروها و عوامل گوناگونی شکل گرفته و توسعه می‌یابند.

با توجه به جنبه کاربردی، تأثیر وقف در عمران و آبادانی شهرها آشکار می‌شود. با تغییر و تکامل زندگی اجتماعی جوامع اسلامی، اهمیت وقف از عصری به عصر دیگر سیر تکاملی به خود گرفت و اوقاف در هر عصری به تناسب مقتضیات زمان و مکان کمابیش نقش مهمی را در مسائل عمرانی بر عهده می‌گرفتند. شکی نیست که حمایت از مؤسسات وقفی و تشویق و ترویج آن و توجه به املاک و مستغلاتی که بر آن‌ها واقف شده و اداره همه موقوفات به صورتی مطلوب برای دستیابی به اهداف، بیانگر اهمیت وقف و تأثیر آن بر عمران شهرهای اسلامی است. از دیرباز، یکی

از موارد وقف در شهرها، ایجاد تأسیسات و خدمات عمومی بود. تأسیسات و خدمات عمومی درصد بالایی از بافت معماری شهرهای اسلامی را به خود اختصاص می‌دادند و با تأسیس آن‌ها، جاذبه‌هایی برای مهاجرت مردم به شهر به وجود می‌آمد که نتیجه آن توسعه و عمران شهرها بود. غالباً انگیزه بنای چنین تأسیساتی از خیرخواهی و نیکوکاری طبقه حاکمه مانند سلاطین، امرا و ثروتمندان سرچشمه می‌گرفت. در عصر قاجار، ثروتمندان برای رفع نیازهای مردم از طریق وقف اقدام می‌کردند؛ اما در دوره حکومت پهلوی ثروتمندان کم‌تر از طریق وقف به کمک نیازمندان می‌شتافتند. در این دوره، واقفان برای اجرای نیت خود، رقباتی را که بتواند بیشترین درآمد را داشته باشند، وقف می‌کردند و نوع رقبات هر دوره متناسب با شرایط اقتصادی حاکم بر آن دوره بوده است. در دوره پهلوی، چشم‌اندازها و نقاط فرهنگی ناشی از وقف که در قالب مکان‌های مذهبی، آموزشی، درمانی، تجاری، مسکونی و غیره تجلی یافت، بیش‌تر در سراسر شهر توزیع شده‌اند؛ اما در دوره قاجار، رقبات بیشتر در محدوده بازار و اطراف آن متمرکز بوده‌اند. در دوره پهلوی، شکل دیگری از وقف که تشکیل نهادها و بنیادهای خیریه است، به وجود می‌آمد (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷). بی‌تردید وقف در دوره قاجاریه که دوران تشکیل هسته اولیه تهران کنونی به شمار می‌آید، نقشی اساسی و غیر قابل انکار داشته است. در نظام سنتی قاجار، اغلب نهادهای مدنی، حتی اگر دست‌اندرکاران حکومت بانیان آن بوده‌اند، در قالب وقف و متکی به نظام استوار وقف عمل می‌کرده است (باقری، ۱۳۸۶: ۱۵۸-۹).

با نگاهی گذرا به سیما و بافت کالبدی شهرهای ایران می‌توان بسیاری از عناصر و اجزای شهری را که نقش عمده‌ای در عملکرد حیات زندگی شهری دارند، مشاهده نمود که عنصر وقف در آن‌ها نقش به‌سزایی داشته است» (باقری، ۱۳۸۶: ۱۶۸). وقف علاوه بر این که از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای فراوان و مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری بوده، از نظر کالبدی در تشکیل و تولید فضاهای عمومی شهری نیز اهمیت برجسته‌ای داشته است، به طوری که شهر را نه تنها از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انسجام می‌بخشیده، بلکه از نظر کالبدی نوعی پیوستگی و وحدت فضایی بین مناطق و محلات مختلف شهر به وجود می‌آورده است. از نظر کالبدی، نقش وقف را می‌توان در ایجاد و احداث خردترین عناصر کالبدی شهر نظیر مساجد، مدارس، حمام‌ها، آب‌انبارها، سقاخانه‌ها، روشنایی معابر و بازارچه‌ها تا شکل‌گیری و تولید کلان‌ترین فضاهای شهری نظیر بازارها و مجموعه‌های وقفی مشاهده نمود (قدیری، ۱۳۶۹: ۳۶).

نقش تاریخی وقف در توسعه فضاهای کالبدی شهر اصفهان

بازتاب‌های غیرکالبدی وقف، فعالیت‌هایی هستند که مستقیماً جنبه کالبدی و فضایی ندارند، بلکه به صورت کمک به انسان‌های محروم جامعه مانند ایتمام، معلولان، پیران و زمین‌گیران، زندانیان، مصارف خیریه، هزینه تحصیل دانشجویان، طلاب، قربانی، ترک اعتیاد، مداوای بیماران، تشکیل خانواده و غیره انجام می‌شود. در واقع تمامی آن چه که یک جامعه انسانی در تأمین اجتماعی اعضای خود نیاز دارد را شامل می‌شود. به همین دلیل شهرهایی که دارای موقوفات بیشتری هستند مانند شهر اصفهان در آنها نوعی تعادل اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و دارد (شفقی، ۱۳۷۶: ۳۳).

در این شهر موقوفات مهم چون مسجد، کاروانسرا، مدرسه، حمام و بازارچه به صورت مجتمع در کنار هم و اغلب در بخش تجاری قرار گرفته‌اند که معرف اندیشه‌های منطقی، اقتصادی و اصولی ساخت شهر در گذشته بوده است. بسیاری از بناهای عام المنفعه و اجتماعی بزرگ شهر اصفهان، جزء موقوفات است. بنا به روایت تاریخ، عصر صفویه، به ویژه دوران زندگی شاه عباس اول، از دوران طلایی وقف در ایران به ویژه اصفهان بوده است.

از آثار مهم وقف، حفظ بناها و تعمیر مستمر آنهاست که محققان را با مصالح ساختمانی و سبک‌های معماری هر عصر آشنا می‌سازد و کارایی و عملکرد بناهای موقوفه چون مساجد، مدارس، دارالشفاها برای ما روشن می‌گرداند. وقف حتی ابتکار منطقی و عقلایی بانیان و سازندگان آنها را به جامعه امروز معرفی می‌کند. موقوفات شهر اصفهان، اغلب در خارج از شهر، دارای رقباتی است که درآمد آن‌ها به حفظ و نگهداری موقوفات کمک شایانی می‌کند. توسعه و گسترش شهر اصفهان در ادوار مختلف تاریخی با موقوفات شهر بی‌ارتباط نیست.

اغلب آثار باستانی در شهر اصفهان، موقوفه‌اند و بافت‌های قدیمی شهر دارای موقوفات بیشتری هستند؛ یعنی به نسبت قدمت محلات بر تعداد موقوفات افزوده می‌شود. همچنین، بخش بازار اصفهان دارای تراکم موقوفات بیشتری است که اغلب آنها را مراکز مذهبی مانند مساجد، مدارس، امامزاده‌ها، مقبره‌ها و تکایا تشکیل می‌دهند.

پراکندگی جغرافیایی بناهای وقفی از یک نظام عقلایی و اقتصادی کاملاً تکامل یافته تبعیت می‌کند، به طوری که یک موقوفه با چند رقبه، مانند مسجد، مدرسه، کاروانسرا، بازار و حمام در جوار هم قرار دارند. مکان یابی آنها چنان نظم کالبدی و فضایی ارزنده‌ای را به فضاهای جغرافیایی می‌بخشد که توجه معماران و شهرسازی قرن بیستم را به خود جلب نموده است. موقوفات اصفهان در شکل‌پذیری این شهر بسیار مؤثر بوده است. شواهدی در دست است که گسترش و توسعه

شهر اصفهان در دوران تاریخی با موقوفات اصفهان ارتباط تنگاتنگی داشته است (شفقی، ۱۳۷۶: ۵۸ - ۴۷).

شهر اصفهان با داشتن آثار باستانی متعدد و بی نظیرش، در میان شهرهای ایران شاخص و متمایز است.

متجاوز از ۲۷۳ اثر باستانی ثبت شده مهم و با ارزش در این شهر وجود دارد که قسمت اعظم آن را موقوفات شهر تشکیل می‌دهد و دیدن این همه آثار شهری و هنری، تجلی روح و هنر گذشتگان را به ما می‌نمایاند.

گزارش سازمان اوقاف نشان می‌دهد که موقوفات این استان و به ویژه اصفهان از اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که شهر اصفهان دارای ۱۴۰۲ موقوفه و ۴۹۴۹ رقبه و استان اصفهان دارای ۵۳۸۳ موقوفه و ۱۸۱۷۸ رقبه می‌باشد. باید توجه داشت که ارزش موقوفات به رقبات آن بستگی دارد، در حقیقت، رقبات است که موقوفات را حفظ کرده و پایدار نگه می‌دارد. باید به این نکته نیز اشاره کرد که اغلب آثار باستانی در شهر اصفهان، موقوفه‌اند و مطالعات اجمالی ما در شهر اصفهان بیان گر این واقعیت است که اگر آثار باستانی فعلی شهر، موقوفه نبودند و رقبه نداشتند، شاید بناها، این چنین پایدار باقی نمی‌ماندند، زیرا درآمد رقبات، اول برای حفظ و پایداری موقوفات به کار می‌رفته و بعد برای مقاصد دیگر مصرف شده است. نکته دیگر این که بعضی از موقوفات شهر در حال حاضر قابل استفاده نیست و تنها به صورت میراث فرهنگی و یادگار معماری‌های اعصار گذشته باقی مانده است. مانند آب انبارها، کاروان‌سراها، طویله‌ها و غیره. مطالعه نقشه پراکندگی جغرافیائی موقوفات مهم شهر اصفهان برای ما روشن می‌کند که بافت‌های قدیمی شهر دارای موقوفات بیشتری هستند، یعنی به نسبت قدمت محلات بر تعداد موقوفات افزوده می‌شود، ولی بافت‌های جدید شهری، موقوفات کمتری دارند، ضمناً بخش بازار اصفهان دارای تراکم موقوفات بیشتری است که اغلب آن‌ها را مراکز مذهبی مانند مساجد، مدارس، امامزاده‌ها، مقبره‌ها و تکایا تشکیل می‌دهند. بخش جنوبی شهر به واسطه سکونت ارامنه در آن که از عصر صفویه (شاه‌عباس اول، ۱۰۰۵ ه.ق) مسکونی شده، دارای موقوفات کمتری است (شفقی، ۱۳۷۶: ۵۸ - ۴۷).

بدون شک مسئولان و دست‌اندرکاران عمران شهری، بدون در نظر گرفتن توزیع فضایی بناهای موقوفه و رقبات آن در شهر زیبای اصفهان نمی‌توانند به طراحی با اهداف جامع و قابل قبول دست یابند.

موقوفات و رقبات آن در شهر اصفهان، از نظر اقتصادی و فقهی، ویژگی‌های خاصی دارد و از نظر معماری، به خصوص معماری اسلامی نیز در آن چنان سطحی قرار دارد که از طرف یونسکو به عنوان شهری با میراث‌های فرهنگی متنوع به ثبت رسیده است. پراکندگی جغرافیایی و توزیع فضایی موقوفات و رقبات آن در شهر اصفهان با بافت‌های قدیمی و

فرسوده شهری منطبق است.

به علاوه، بافت قدیمی این شهر با وسعتی در حدود ۱۳۰۰ هکتار، نیاز به آن چنان برنامه‌ریزی شهری دارد که از یک طرف بازسازی، نوسازی و سالم‌سازی شهر را تأمین کند و از طرف دیگر آسیب‌پذیری و یا نابودی بناهای موقوفه و رقبات آن را به حداقل برساند. بنابراین می‌توان گفت شناخت دقیق موقوفات و ویژگی‌های آن‌ها از ضروریات عمده طراحان و برنامه‌ریزان توسعه شهری برای بافت‌های قدیمی شهر محسوب می‌شود.

موقوفات اصفهان در شکل‌پذیری و توسعه این شهر بسیار مؤثر بوده‌اند. مطالعه نقشه محلات شهر اصفهان، نشان‌گر این واقعیت است که حدود بیست محله چندوقفی وجود دارد. بنیان این محلات، به توسعه و شکل‌پذیری کالبدی شهر کمک شایانی نموده‌اند. شواهدی در دست است که گسترش و توسعه شهر اصفهان در دوران تاریخی با موقوفات اصفهان ارتباط تنگاتنگی داشته است (شفقی، ۱۳۷۶: ۵۸ - ۴۷).

در واقع پیدایش شهر به دست بنیان خیر و عمران دوست، از نظر جغرافیای شهری اهمیت خاصی دارد. از ۱۵۷ محله اصفهان، ۳۱ محله به نام شخصیت‌های معروف نام‌گذاری شده است و اغلب آن‌ها اسامی واقفان را بر خود دارند. البته منظور وقف تمام محله نیست، بلکه وقف هسته‌های اصلی و مرکزی محلات؛ مثلاً مساجد، حمام‌ها، بازارچه‌ها، حسینیه‌ها و مانند آن است. معمولاً اشخاص خیر و توان‌گر با ساختن بناها و وقف آنها، از درآمد واحدهای اقتصادی چون حمام، بازارچه و کاروان‌سرا، مخارج حفظ و نگهداری همین بناها را تأمین می‌کردند. پراکندگی جغرافیایی موقوفات و رقبات آن‌ها در شهر اصفهان با بافت‌های قدیمی و فرسوده شهر منطبق است (باقری، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

هم‌اکنون با نگاهی به نقشه مراکز وقفی شهر اصفهان (در قالب عناصر و فضاهای کالبدی وقفی و رقبات مربوطه)، مشخص می‌شود که این مراکز در شکل‌دهی و توسعه‌های بعدی کالبد شهر نقش بسیار مؤثری داشته‌اند. این اثرگذاری در شکل و توسعه شهر به صورت فضاآفرینی و توسعه فضایی نمود یافته است. بر این اساس، اصفهان همچون سایر شهرهای برتر ایران در حوزه عناصر و فضاهای وقفی - مانند مشهد و تبریز - از سنت و نظام وقف در توسعه شهری بسیار تأثیر پذیرفته است.

تحلیل و نتیجه‌گیری

مشارکت و دخالت مردم در سازماندهی محیط پیرامون خود از طریق ایجاد و احداث بناهای وقفی یکی از جنبه‌های مهم تأثیر وقف در تشکل و قوام جوامع بشری به شمار می‌رود. از مهم‌ترین عواملی که از سوی محققان مختلف بر نقش آن‌ها در شکل‌گیری فضاهای شهری تأکید شده است، می‌توان به این سه عامل اشاره کرد:

۱. عامل جهان‌بینی یا چگونگی نگرش به جهان؛
 ۲. عامل اقتصادی یا چگونگی تعریف جهان مادی؛
 ۳. عامل اقلیمی - محیطی یا شرایط محیط زیست طبیعی.
 در تاریخ شهرنشینی ایران بر حسب اهمیت و نقش مسلط هر یک از این عوامل شاهد شکل‌گیری فضاهای شهری گوناگون و مختلفی هستیم. در بین این عوامل بی‌شک تأثیر عامل جهان‌بینی و ارزش‌های دینی و مذهبی بر ساخت و تولید فضاهای شهری به ویژه در دوره اسلامی بسیار تعیین‌کننده و مهم است. به همین دلیل در ایران علی‌رغم گوناگونی و تنوع محیط‌های طبیعی و اقلیمی شاهد ساخت و ساز فضایی مشابه در اکثر شهرها در طی تاریخ دوره اسلامی هستیم. به طور کلی در کیفیت و چگونگی عملکرد بازتاب‌های کالبدی وقف ویژگی‌های کالبدی و معماری مانند مقیاس و اندازه فضای موقوفه نقش اساسی دارند. بدین معنی که هر چه قدر مقیاس و اندازه عناصر و عملکردهای وقفی بالاتر و بزرگ‌تر باشد، تأثیر و کارایی آن‌ها در ساختار شهر بیشتر خواهد بود. جدای از ویژگی‌های کالبدی و معماری یاد شده، خصوصیات و ویژگی‌های فضایی دیگری بر عملکرد بازتاب‌های کالبدی وقف، تأثیر تعیین‌کننده دارند. نکته مهم در رابطه با عناصر و عملکردهای وقفی موضوع تشکل آنهاست. به عبارت دیگر، عناصر وقفی که در تمام ساختار شهر دیده می‌شوند، دارای چه نوع تشکلی هستند؟ به طور کلی عناصر موقوفه را از نظر تشکل می‌توان به دو گروه کلی متشکل (مجموعه‌ی ساختاری) و غیرمتشکل (عناصر پراکنده) طبقه‌بندی کرد. نحوه تشکل موقوفات ارتباط نزدیکی با توزیع فضایی و پراکنش عناصر موقوفه دارد.

چگونگی توزیع فضایی و پراکنش انواع عناصر موقوفه نه تنها در ساختار فضایی شهرها نتایج مهمی در پی دارد، بلکه در تشدید و تسهیل عملکردهای وقفی بسیار مؤثر است. وقف از نظر کالبدی از یک طرف در فضاآفرینی و ایجاد ساختمان‌های مختلف مذهبی و متعلقات مربوط به آن‌ها در بخش‌های مختلف شهر اسلامی از جمله شهر ایرانی نقش بارز و مؤثری را در طول تاریخ اسلام ایفا نموده و از طرف دیگر تأثیر و نقش ارزنده‌ای در حفظ و نگهداری فضاهای کالبدی شهرهای اسلامی ایرانی مانند تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و قم داشته است. این اثرگذاری و ایفای نقش در دو حوزه فضا آفرینی و حفظ بناهای شهری هم‌چنان ادامه دارد.

وقف به عنوان یک سیستم پویا و بازوی نیرومند، نقش مؤثری را در سامان‌دهی امور اقتصادی، فرهنگی و کالبدی جامعه، بر عهده‌گرفته است. با توجه به گسترده‌گی فضاهای جغرافیایی متأثر از پدیده وقف در شهرهای ایرانی - اسلامی و از آن جایی که هر گونه تغییر و تحول در املاک وقفی نیازمند قوانین و مقررات خاص شرعی و مدنی می‌باشد، این پدیده در شکل‌گیری شهرهای بزرگ و به ویژه شهرهای متوسط

و کوچک، نقش اساسی را ایفا می‌کند. در شهرهایی نظیر مشهد، اصفهان و قم، این نقش و تأثیر به خوبی مشهود است. با نگاهی گذرا به سیما و بافت کالبدی شهرهای ایران، بسیاری از عناصر و اجزای شهری را که نقش عمده‌ای در عمل‌کرد حیات زندگی شهری دارند، می‌توان تأثیر عنصر وقف را مشاهده نمود. این نقش در شهرهای مشهد و قم جلوه بارزتری دارد. وقف علاوه بر کارکردهای اجتماعی و اقتصادی‌اش در پویش‌های شهری، از نظر کالبدی در تشکیل و تولید فضاهای عمومی شهری اهمیت برجسته‌ای دارد. از نظر کالبدی نیز نقش وقف در ایجاد و احداث عناصر خرد و کلان کالبدی شهر، نظیر مساجد، مدارس و بازارچه‌ها و مجموعه‌های وقفی چشمگیر است.

تأثیرگذاری وقف بر شهر اصفهان و ایفای نقش آن در این شهر، در دو مقوله شکل‌گیری شهر و توسعه شهر، به وضوح آشکار است. به عبارت دیگر، وقف را می‌توان یکی از اهرم‌ها و نیروهای اصلی شکل‌گیری و توسعه دهنده شهر اصفهان در طول تاریخ، به ویژه پس از ورود اسلام دانست که در دوره حکومت شیعی صفویه به اوج خود رسیده است. بسیاری از محله‌های اصفهان (۳۱ محله) دارای عناصر و فضاهای وقفی هستند. محله‌هایی که به خاطر قدمت زیاد، علاوه بر شکل‌بخشی به کالبد اولیه شهر، توسعه آن را به ویژه در بخش مرکزی و سنتی، باعث شده و شتاب بخشیده‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت، وقف مؤلد بخش بزرگی از فضاهای کالبدی شهرهای ایران بوده و در طول زمان، نقش تاریخی آن، در پیکربندی شهر ایرانی مشهود و هویدا است.

فهرست منابع و مراجع

۱. اعتضادی، لادن (۱۳۷۷)، «نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان‌نشین»، فصلنامه صفا، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۶، بهار و تابستان.
۲. افشار، مهدی (۱۳۸۳)، فرآیند شهرنشینی در اسلام، جلد اول، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۳. الکیسی، محمد عبید (۱۳۶۴)، احکام وقف در شریعت اسلامی: فقهی، حقوقی و قضایی، جلد دوم، اداره کل حج و اوقاف، تهران.
۴. اهلرز، اکارت (۱۳۷۴)، موقوفات دینی و شرق اسلامی، مترجم مصطفی مؤمنی و محمد حسن ضیا توانا، میراث جاویدان، سال سوم، شماره ۱۰، تهران.
۵. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۵۷)، سیاست و اقتصاد عصر صفویه، تهران.
۶. باقری، اشرف‌السادات (۱۳۸۶)، شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۷. به‌فروز، ترانه (۱۳۸۰)، شهر اسلامی، نشریه همگامان، تیرماه ۸۰، شهرداری تهران، تهران.
۸. پاک‌نژاد، رضا (۱۳۵۵)، اولین دانشگاه آخرین پیامبر، جلد دوم، انتشارات اسلامی، تهران.
۹. تقی‌زاده، محمد (۱۳۷۸)، صفات شهر در متون اسلامی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۴، صص ۲۴-۳۶، تهران.
۱۰. دانش‌پژوه و ایرج افشار (۱۳۴۱)، جامع‌الخیرات یا وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی، تهران.
۱۱. دونالدسن، ویلبر (۱۳۴۶)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه دکتر عبدالله فریار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۱۲. سازمان حج و اوقاف و امور خیریه (۱۳۶۴)، نگاهی کوتاه به سنت نبوی وقف، چاپ دوم، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، تهران.
۱۳. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۷۲)، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۴. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۵)، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی-اجتماعی آن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۵. شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۷)، «ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجاریه تا جمهوری اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸، آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۶. شجاع فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۲)، بررسی نقش اراضی وقفی در توسعه فیزیکی شهر مشهد (نمونه موردی قلعه ابکوه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. شکویی، حسین (۱۳۷۳)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، سمت، تهران.
۱۸. شهابی، علی اکبر (۱۳۴۳)، تاریخچه وقف در اسلام، اداره کل اوقاف تهران، تهران.
۱۹. شهابی، محمد رضا (۱۳۸۳)، مسأله وقف در نظام شهرسازی ایران، صص ۲۸۹-۹۶، همایش مسایل شهرسازی ایران، جلد ۲، مدیریت شهری، دانشگاه شیراز، شیراز.
۲۰. شفقی، سیروس (۱۳۷۶)، وقف در اصفهان، فصلنامه میراث جاویدان، ش ۲۰، صص ۳۳.
۲۱. شفقی، سیروس (۱۳۷۶)، وقف در اصفهان، پراکنندگی جغرافیای موقوفات و آثار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن در اصفهان، میراث جاویدان، صص ۴۷-۵۸.
۲۲. عبدالستار عثمانی، محمد (۱۳۷۶)، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، امیرکبیر، تهران.
۲۳. قدیری، بهرام (۱۳۶۹)، «احیای فرهنگ وقف با هدف تسهیل زندگی در مجتمعات زیستی»، فصلنامه صفا، شماره اول، تابستان ۶۹، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران.
۲۴. کاشی‌پورمحمدی، علیرضا (۱۳۸۱)، نقش وقف در توسعه اقتصادی و اجتماعی
۲۵. مشهدی زاده دهقانی، ناصر (۱۳۷۳)، تحلیلی از ویژگی‌های تاریخی شهر و شهرنشینی در ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۲۶. مؤمنی، مصطفی (۱۳۷۲)، «جغرافیای جهان‌بینی وقفنامه ربع رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله بانی مجتمعات وقفی»، فصلنامه میراث جاویدان، سال اول، شماره ۳.
۲۷. مؤمنی، مصطفی (۱۳۶۵)، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهر دولت‌آباد ملایر»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲، سال اول.
۲۸. میر احمدی، مریم (۱۳۷۱)، «پژوهشی در موقوفات عصر صفوی» مشهد آستان قدس رضوی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۵، صص ۴۸-۲۹، مشهد.
۲۹. مومنی، مصطفی، بنیادهای وقفی در آلمان فدرال، فصلنامه میراث جاویدان، شماره ۴، صص ۹۴-۱۰۴.
۳۰. نظافتی، ایرج (۱۳۸۷)، ترویج و گسترش فرهنگ وقف، روزنامه کیهان.

31. www.jomhourieslam.com